

ادامه از صفحه اول

منشور حقوق شهروندی در محاق

راه گفت‌وگو با رسانه‌ها را پیش گرفت و از آنجا که حقوق‌دان بود، با استدلال،«حق و تکلیف» ورود کرد. پرداختن به موضوعی مهم که دو قید «ناگاه‌ی تاریخی» و «موانع ساختاری» مانع از ظهور و بروز آن در قالب یک گفتمان می‌شود، در کشوری که مشق شب و روز نخبگان و کنشگران‌ش سیاست، سیاست و سیاست است، کاری است بس دشوار. این یکسونگری و همچنین اعتقاد و باور نداشتن به موضوع «حق شهروندی»، موجب شد به مرور زمان نشانه‌های نامیدکننده‌ای برای تحقق‌نیافتن منشور حقوق شهروندی بروز کند. آن هیجان اولیه فروکاست و مانند گذشته، موضوعی مهم به فراموشی سپرده شده و موضوعات فرعی در دستور کار قرار گرفته است. آن‌قدر که حقوق‌های نجومی، املاک نجومی، نسخه‌های نجومی و... در دستور کار رسانه‌ها و کنشگران قرار گرفت، حقوق شهروندی حتی مورد اشاره واقع نشد. این درد بزرگ جامعه سیاسی ماست که در اولویت‌بندی مسائل دچار کژفهمی تاریخی و ساختاری است. جامعه جوگیر هر روز از سویی کنشگران حرفه‌ای به سویی کشیده می‌شود و مطالبه حق مهم شهروندی به فراموشی سپرده می‌شود. ۳- متأسفانه خبرها از درون دولت نیز ناخوشایند است. اخباری موثق وجود دارد که نشان می‌دهد به جز شخص رئیس‌جمهور و البته دستیار ویژه‌اش در حقوق شهروندی، دیگران اعتقاد و باوری به این منشور و سازوکار مدنی آن ندارند. از قرار معلوم حتی برخی مقامات ارشد دولت نیز تأیید کرده‌اند منشور شهروندی یک شوی تبلیغاتی بود و بس و اگر این فقره صحیح باشد، باید بسیار تاسف‌خورد. تان‌تاک‌نگارنده خبر دارد، برای ایجاد ساختار سازمانی حقوق شهروندی صورت نمی‌گیرد و مقامات دولت حتی مخالف‌های ضمنی و صریحی نیز با راه‌اندازی تشکیلات سازمانی حقوق شهروندی انجام می‌دهند. تخصیص‌ندان نیروی انسانی و امکانات، مخالفت با طرح‌هایی که برای اعلام موارد نقض حقوق شهروندی شهروندان در نظر گرفته شده بود، مانع‌تراشی در برابر برنامه ویژه استان‌ها نبود حمایت مالی لازم، ایجاد محدودیت در فعالیت رسانه‌ای، ممکن‌نبودن مکاتبه با دستگاه‌ها درباره درخواست‌های موردی شهروندان موضوع نقض حقوق شهروندی، موازی‌کاری ازسوی برخی معاونت‌های رئیس‌جمهور و... همه و همه از مواردی است که مانع شکل‌گیری سازمانی حقوق شهروندی شده است. اگر چنین باشد که هست، باید تذکر و تلنگری به دولت زد تا از محاق‌رفتن این طرح سیاسی شاخص و مؤثر، جلوگیری و نقطه اتکایی برای احقاق حقوق شهروندان ایجاد شود.

شورا و عدالت

شورای عالی استان‌ها پیشنهادهای اصلاحی خود را درباره برنامه و بودجه مذکور به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اعلام خواهد کرد. از آن حیث که مهم‌ترین کارویژه و کارکرد شورای‌عالی استان‌ها و عامل و ریشه کلیدی ایجاد این نهاد مدنی- حاکمیتی- ملی، جلوگیری از تبعیض و تحقق عدالت منطقه‌ای و رفع نابرابری در پهنه سرزمینی است؛ بنابراین بررسی برنامه‌های توسعه و بودجه سنواتی عمومی کشور و پیشنهادهای اصلاحی قاعدتاً درخصوص رفع نابرابری و تحقق عدالت منطقه‌ای و رفع تبعیض است. با توجه به این توضیحات شورای‌عالی استان‌ها می‌بایست هرساله گزارش اقدامات اساسی خود را درخصوص مأموریت قانونی خود به مردم و سایر نهادهای حاکمیتی ارائه دهد، همچنین لازم است برنامه آینده و بلندمدت درخصوص رفع نابرابری منطقه‌ای و عدالت قضایی تهیه و تنظیم کرده باشد.

۴- مطابق با اصل صدودوم قانون اساسی، شورای‌عالی استان‌ها حق دارد در راستای وظایف خود که همانا مهم‌ترین آن رفع تبعیض و نابرابری در پهنه سرزمینی است، طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. بنابراین از این حیث شوراها هم مأموریت جدی و اساسی در رفع نابرابری منطقه‌ای در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، فرهنگی و آموزشی، عمرانی و رفاهی و خدمات و زیرساخت‌ها دارند.

شورای عالی استان‌ها بعد از چهار دوره استقرار می‌بایست اقدامات خود را که قانون‌گذار به آن نهاد تفویض کرده است به صراحت و روشنی درخصوص رفع تبعیض به مردم ارائه دهد.

نابرابری شوراها نسبت نزدیکی با سیاست‌گذاری برای رفع تبعیض و نابرابری منطقه‌ای دارد. هرچند این وظایف به‌روشنی مطرح شده است، اما سؤال کلیدی این است در آینده نهاد شورای عالی استان‌ها و سایر شوراها چگونه می‌بایست در رفع تبعیض گام بردارد، واقعیت این است گزارش مدون درخصوص توقیف یا عدم توقیف شوراها درخصوص تحقق عدالت اجتماعی و منطقه‌ای و رفع نابرابری تاکنون تدوین و ارائه نشده است.

ولی تکلیف و مأموریت قانونی واگذارشده به شوراها به‌خصوص شورای‌عالی استان‌ها روش و مبرهن است؛ امید می‌رود در آینده این نهاد در مسیر قانونی خود گام بردارد و از مسئولیت خود جهت رسیدن به پیشرفت پایدار کشور شانه خالی نکند.

شرق: «خزانه‌داری آمریکا برای افتتاح حساب آمریکایی‌ها در ایران مجوز صادر کرد. هرچند که افتتاح حساب آمریکایی‌ها در ایران در شرایطی مثبت اعلام شد که تفسیری برای آن صادر شد که شخص آمریکایی اگر در ایران زندگی کرده و نیاز به افتتاح حساب داشته باشد می‌تواند حساب بانکی را بازگشایی کند». این خبر را حمید قنبری، معاون اداره تأمین اعتبارات ارزی بانک مرکزی، داده است. به گفته او، بر اساس آخرین نظری که از خزانه‌داری آمریکا در رابطه با افتتاح حساب برای اشخاص آمریکایی در ایران دریافت شده، خزانه‌داری پاسخ مثبت صادر کرده است. هرچند از جزئیات این تصمیم OFAC نکته بیشتری ارائه نشده است و گشایش حساب‌های غیرایرانی‌ها در کشور منوط به تصمیم بانک مرکزی ایران است، اما به‌نظر می‌رسد چون این خبر از زبان معاون بانک مرکزی منتشرشده، یعنی این بانک تلویحاً این مجوز را صادر کرده است؛ باین‌همه باید روشن شود که این حساب‌ها تا چه سقفی را پشتیبانی خواهد کرد؟ زمان تبدیل این دلارها به ریال اینها با چه نرخ‌ی محاسبه خواهند شد؟ یا اصلاً اگر این پول‌ها بخواهند از ایران خارج شوند مصداق قاچاق و ارزی‌ری به خود می‌گیرند یا خیر؟ به‌هرروی سه نفر از کارشناسان حوزه پولی و بانکی در گفت‌وگو با «شرق» معتقدند که این تصمیم خزانه‌داری آمریکا اثر چندانی بر روابط اقتصادی ایران و آمریکا نخواهد داشت؛ یعنی احتمالاً افوک در پی درخواست‌های روزانه کاربران آمریکایی‌اش در سلسله‌مجازیهایی که روزانه صادر می‌کند، این مجوز را هم صادر کرده است؛ مجوزی که هم جامعه هدف بسیار محدودی دارد و هم گشایش خاصی در روابط بانکی به حساب نمی‌آید.

به‌هر حال قنبری با بیان اینکه، پیش از برجام با سه دسته تحریم سازمان ملل، اتحادیه اروپا و تحریم‌های آمریکا مواجه بودیم، گفته است: البته تحریم‌های آمریکا دارای دو بخش آمریکایی و غیرآمریکایی برای روابط با ایران بود. وی افزود: به شکل کلی، تحریم‌های ایران دو دسته هسته‌ای و کالاهای هسته‌ای و به‌شکل کلی تحریم‌هایی که به سایر بخش‌های کشور ارتباط دارد، بود. همچنین تحریم‌های غیرهسته‌ای با اهداف تسلیحاتی و امنیتی به قوت خود باقی است. معاون اداره تأمین اعتبارات ارزی بانک مرکزی گفته که برجام از جهت ماهوی بنده‌بند در مجالس ایران و آمریکا مورد بحث و بررسی قرار نگرفت، اما تعهدی میان قوای مجریه دو کشور است و قوه مقننه کشورها هم آن را بررسی و تأیید کرده‌اند.

قنبری به قوانینی اشاره کرده که باعث تهدید و محدودیت طرف‌های خارجی برای همکاری با ایران می‌شده و گفته است: براساس یکی از این قوانین، شرکت‌های بزرگ آمریکایی که بیش از ۲۰ میلیون دلار با ایران همکاری داشته باشند مشمول جریمه می‌شوند؛ اما در قانون جامع تحریم‌های ایران این میزان به یک میلیون دلار کاهش پیدا کرد و هر شرکت آمریکایی که با ایران بیش از این رقم همکاری و معامله داشت، مشمول شش مجازات از ۹ مجازات تعیین‌شده می‌شد. همچنین براساس تحریم‌های بانکی ایران که در سال ۲۰۱۰ تصویب شد، هر مؤسسه

اقتصاد

با مجوز آمریکا افتتاح حساب شهروندان آمریکا در ایران آزاد شد

امتیاز آمریکایی به آمریکایی



شده است، گفت: بانک‌های بزرگ در حال آمودشد هستند و انتظار می‌رود موانع همکاری‌ها از بین برود تا بتوان دوباره روابط را از سر گرفت. دو مانع بزرگ تحریم‌های سوئیفت را به دو دسته مقرره و فهرست نام بانک‌ها و مؤسسات بین‌المللی تقسیم کرد و افزود: برخی پس از اجرای برجام معتقد بودند که تحریم‌های سوئیفتی لغو نشده و پابرجاست که در پاسخ به این موضوع باید گفت فهرست تحریم‌ها برای ایران پس از برجام لغو شد، اما تحریم‌های مقرره تا هشت سال آینده برای ایران برقرار است.

قنبری تصریح کرد: اتحادیه اروپا هم اعلام کرده اگر برجام تا پایان حفظ نشده و تحریم‌ها بازگردد، همان تحریم‌های قبلی علیه ایران اعمال می‌شوند و تغییری نخواهند داشت. حداکثر امتیازی که می‌توانستیم از طرف خارجی بگیریم این بود که با بازگشت تحریم‌ها روابط و معاملات پیش از تحریم‌ها مشمول هیچ‌گونه مجازات و تحریم مجددی نشود. در برجام ذکر شده که متن برجام معتبر است و می‌توان براساس این متن، مقررات و دستورالعمل داخلی میان طرف ایرانی و خارجی را تهیه کرد.

درهمین حال قائم‌مقام بانک مرکزی می‌گوید، امروز تعداد روابط کارگزاری در پسابرجام به دوره پیش از تحریم‌ها رسیده، اما از نظر تعداد بانک‌هایی که با بانک‌های ایرانی ارتباط دارند، هنوز به سطح قبل نرسیده‌ایم. به گزارش ایرنا، کار کمیجانی» که کنفرانس ملی اقتصاد مقاومتی و برجام در مرکز مطالعات وزارت امور خارجه گفت که امروز روابط بانکی در حال گذر از روزهای سخت است و ریسک کشور از منظر طرف‌های خارجی بهبود یافته و به رتبه شش از هفت رسیده و امیدواریم در آینده کمتر هم شود. پیش از تحریم‌ها بانک‌های بزرگ و متوسط با بانک‌های ایرانی همکاری می‌کردند و ذخایر ارزی بانک مرکزی در بانک‌های مکرریسک و بی‌ریسک نگهداری می‌شد. اما پس از برجام این ذخایر در بانک‌های خاص نگهداری می‌شود. او با بیان اینکه در این مدت اندکی بهبود در روابط بانکی حاصل

ارائه خدمات بانکی به متقاضیان و فعالان اقتصادی را مشکل کرده و به‌تبع آن فعالیت‌های تجاری و اقتصادی کشور متأثر خواهد شد. از این نظر و با هدف تبدیل تحریم‌های هوشمند به یک جنگ اقتصادی، آمریکا واردات نفت از ایران و برقراری روابط کارگزاری با سیستم بانکی ایران را تحریم کرد. او به تأثیر تحریم‌ها بر روابط کارگزاری با بانک‌های خارجی، اشاره و تصریح کرد: تحریم‌ها بر روابط کارگزاری تأثیرات فراوانی ازجمله عدم امکان افتتاح و نگهداری حساب ارزی، عدم امکان انجام تبدیلات ارزی، عدم فروش اسکناس به بانک مرکزی، عدم فروش طلا، افزایش هزینه تأمین طلای مورد نیاز، افزایش هزینه‌های نقل‌وانتقال ارز به دلیل تهیه آن از طریق مجاری غیرمعمول با صرف هزینه‌های گزاف بالغ بر شش تا هشت درصد و همراه با ریسک بالا و افزایش ریسک‌های عملیاتی، به لیل عدم امکان استفاده از ارزی‌های جهان‌روا و متعاقب آن نگهداری ذخایر ارزی تنها به چند ارز در پی داشته است.

تأثیر تحریم‌ها بر نقل و انتقالات ارزی

یعقوبی به تأثیر تحریم‌ها بر نقل‌وانتقالات ارزی پرداخت و گفت: براساس تحریم‌های وضع‌شده از سوی ایالات متحده آمریکا، کشورهای واردکننده نفت ایران مکلف بودند عواید حاصل از فروش نفت را در بانک‌های خود نگه داشته و از انتقال آنها به سایر کشورها ممانعت می‌کردند. در نتیجه این محدودیت، در زمان تحریم درآمدهای نفتی تنها به حساب بازشده در یک بانک داخلی در کشور واردکننده نفت از ایران واریز شده و فقط به منظور تسهیل تجارت مجاز بین آن کشور و ایران به کار می‌رفت. این چوه نمی‌توانست به کشور سومی منتقل شود، نمی‌توانست به ایران برگردد و نمی‌توانست برای تسهیل تجارت با یک کشور سوم به کار گرفته شود. از این نظر درآمدهای ارزی کشور در حساب‌های مربوطه رسوب شده و امکان استفاده فراهم نبود. نبود امکان انتقال ارز به همراه مدیریت نامطلوب بازار ارز موجبات نوسانات شدید و لحظه‌ای نرخ ارز را فراهم آورده بود و صدمات زیادی را بر پیگرد تولید و صنایع کشور وارد کرد، ضمن آنکه مدیریت ذخایر ارزی کشور در عمل مفهوم خود را از دست داده بود.

مکانیسم پرداخت وجه کالا

یعقوبی با بیان اینکه در زمان تحریم کاهش بانک‌های کارگزار و عدم امکان انتقال ارز از سوی بانک‌ها، پرداخت وجه کالاهای وارداتی را با مشکل مواجه کرد؛ به‌نحوی‌که مکانیسم پرداخت از گشایش اعتبار اسنادی به سمت حواله ارزی با وجود تبعات منفی آن سوق داده شد، به تأثیر تحریم‌ها بر مکانیسم پرداخت وجه کالا پرداخت و گفت: ازجمله این تأثیرات می‌توان به عدم استفاده از مجاری رسمی برای خرید، حمل و بیمه کالاهای وارداتی، افزایش هزینه نقل و انتقالات ارزی، افزایش ریسک‌های مترتبه و افزایش قیمت تمام‌شده کالاهای وارداتی به کشور اشاره کرد. پس از اجرایی‌شدن برجام درصد رشد مبلغ و تعداد اعتبارات اسنادی گشایش‌شده نسبت به حواله‌های ارزی صادرشده با استفاده از آمار برگرفته از پرتال ارزی افزایش داشته است.

ارز	قیمت(تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۷۶۱	۱۳-
یورو	۴۰۶۳	۴-
پوند	۴۷۲۵	۳۱-
درهم	۱۰۴۲	۵-
طلاو سکه	قیمت	تغییر
طرح قدیم	۱۰۲۰۵۰۰۰۰	۱۵۰۰۰+
طرح جدید	۱۰۲۰۳۰۰۰۰۰	۳۳۰۰۰+
نیم	۶۸۴۰۰۰۰	۴۰۰۰+
ربع	۳۸۲۰۰۰۰	۲۰۰۰+
گرمی	۲۴۱۰۰۰۰	۵۰۰۰+
گرم ۱۸ عیار	۱۱۴۰۷۸۶	۳۹-
اونس (دلار)	۱۲۳۲۰۲	۱-۳۰

توجه به برنامه دولت جهت انتشار اوراق بدهی در سال آینده، به نظر می‌رسد با شروع سال جدید، مشکل عرضه اوراق بدهی نه‌تنها کمتر نخواهد شد، چه‌بسا باری بر مشکلات فعالان بازار سرمایه خواهد افزود. با عنایت به این موضوع، با آغاز سال جدید احتمالاً تحول مثبتی در بازار سرمایه ایجاد نخواهد شد و تنها به فکر عرض‌کردن گاه‌شمار رومیزی باید بود.

عنوان شاخص

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۷۶۷۸۹۰۷	۲۲۰۸۰
شاخص قیمت	۲۶۸۲۲۰۶	۷۰۹۹
شاخص کل (هوزر)	۱۵۵۵۷۰۱	۵۰۱۰۰-
شاخص قیمت (هوزر)	۱۲۲۸۹۰۸	۴۰۰۵۱-
آزاد شناور	۸۴۱۱۳۰۶	۶۳۰۱۴
۵۰ شرکت بزرگ	۳۱۰۷۰۲	۴۰۵۰

رئیس مجلس در رونمایی از کوپک سایا:

ضرورت تسری فکر و شیوه مدیریت سایپا در بخش‌های مختلف صنعت

در گزارش تحقیق‌وتفحص مجلس از سایپا مشخص شد مشکل اصلی سایپا در گذشته، مشکل مدیریت و مالی است؛ بنابراین به این جمع‌بندی رسیدیم که مدیری با تخصص مالی را در رأس این شرکت قرار دهیم. وی افزود: متأسفانه عده‌ای که در خرابکاری‌های گذشته سایپا دست داشتند و می‌خواستند مشکلاتی ایجاد کنند، مانع بودند؛ باین‌حال ما مدیریت سایپا را تغییر دادیم و این شرکت توانست مشکلات را پشت سر بگذارد. وی با اشاره به اقدام‌های صورت‌گرفته در شرکت سایپا گفت: برای نخستین بار از سال ۱۳۸۹ این شرکت سودده شده است و به سهام‌داران خود سود پرداخت می‌کند. نعمت‌زاده با اشاره به نقش خودرو در توسعه صنعتی کشور گفت: ۱۸درصد تولید ناخالص صنعت کشور مربوط به صنعت خودرو است و در سال جاری بیش از ۴۰ درصد رشد داشته است و مطابق شواهد، این روند ادامه خواهد داشت؛ طوری‌که انتظار داریم در سال ۱۴۰۴ تولید خودرو در کشور به سه میلیون دستگاه افزایش یابد که حداقل ۵۰ درصد آن با برند داخلی خواهد بود.

ادامه از صفحه اول

راز یک سفر غیرعادی

عربستان سعودی تا چند هفته قبل، دولت عراق را دست‌نشانده ایران توصیف می‌کرد. سفیر پیشین سعودی در بغداد تقریباً در تمامی امور داخلی عراق دخالت می‌کرد و درباره نفوذ ایران در این کشور هشدار می‌داد. همچنین عربستان سعودی درباره نحوه مقابله عراق با موضوع تروریسم، به بهانه اینکه سیاست دوگانه‌ای در این زمینه اجرا می‌شود، دولت بغداد را نکوهش می‌کرد. ریاض حتی به تشکیل بسیج مردمی (حشد الشعبی) در عراق انتقادهای تندی کرد و آن را نسخه تکثیرشده نیروهای بسیج ایران توصیف کرد. روابط تیره عربستان سعودی با عراق به نشست‌های اتحادیه عرب و دیگر محافل جهانی نیز کشیده شد و وزرای خار و کشور بارها درباره سیاست‌های خاورمیانه‌ای یکدیگر، رودرروی هم قرار گرفتند. اینک این پرسش مطرح است که چه تحولی در سیاست عربستان سعودی ایجاد شده که رهبران ریاض قصد دارند آن را از دریچه عراق تجلی دهند؟ همچنین پرسش‌های جانبی و البته مهم‌تری در انگیزه‌های این دیدار از سوی ناظران منطقه مطرح شده است؛ از جمله آنکه آیا این دیدار آغاز رشته تغییراتی در سیاست‌های منطقه‌ای ریاض خواهد بود یا اینکه این تغییرات را باید در قلمروی عراق و پیروزی‌های پیوسته بغداد در جنگ علیه داعش خلاصه کرد؟ آیا ریاض با این اقدام، قصد دارد در روابط بسیار حسنه بغداد با تهران اختلال ایجاد کند یا اینکه این تحول را باید آغازی برای بهبود روابط ریاض و تهران از دریچه عراق به شمار آورد؟ این نوشتار می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ گوید و چشم‌اندازی از تغییرات سیاست خاورمیانه‌ای عربستان سعودی ترسیم کند.

اول. سیاست خارجی عربستان سعودی با روی‌کارآمدن ملک سلمان و انتقال رهبری این کشور به نسل جدید، وارد مرحله جدیدی شد. این مرحله جدید با ساختار شخصیتی و سابقه کاری رهبران جدید ارتباط تنگاتنگی دارد. غلبه نگاه امنیتی بر نگاه نالایسک عربستان سعودی، از شاخص‌های مرحله نون است. دخالت در قطب‌بندی‌های حاد منطقه‌ای، دخالت نظامی در ائتلاف‌های ابتکاری (مانند تشکیل ائتلاف عربی و اسلامی به رهبری عربستان سعودی به منظور جنگ در کشور یمن) یا ائتلاف‌های جهانی برای جنگ علیه تروریسم (نظیر ائتلاف به رهبری آمریکا برای جنگ علیه داعش در عراق و سوریه) نمونه‌هایی از تغییرات ایجادشده در سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی به شمار می‌آید. کارنامه ریاض در این زمینه در چند سال اخیر بیش از یک ناکامی محسوب می‌شود؛ این رشته ناکامی‌های ریاض به عرصه سیاسی نیز کشیده شد و عربستان سعودی در کشورهای نظیر لبنان که از نفوذ سیاسی سنتی برخوردار بود، با ناکامی جدی مواجه شد و اگر کمک سیاسی جمهوری اسلامی ایران نبود، کشور لبنان هنوز از نبود رئیس‌جمهور توافق رنج می‌برد. دوم، با روی‌کارآمدن دولت تندروی دونالد ترامپ و اعلام پاره‌ای از سیاست‌های جدید واشنگتن در قبال خاورمیانه، رهبران عربستان سعودی به این نتیجه رسیدند که در دوره ترامپ، ریاض نمی‌تواند در موضوع خاورمیانه روی واشنگتن حساب کند و آن بخش از دخالت‌های ضروری آمریکا در منطقه نیز با تأمین هزینه‌های آن از سوی ریاض قابل اجراست.

به‌این‌ترتیب، رهبران سعودی ترجیح دادند به سوی یک تحول دیگر در سیاست‌های منطقه‌ای خود حرکت کنند. اگر به سفر عادل الجبیر به بغداد و ابعاد آن خوش‌بینانه بگیریم می‌توان گفت ریاض تحول جدید را با نمونه عراق کید زده است. از اینکه این تحول تا چه حدی تحت تأثیر توصیه‌های کاخ سفید بوده و اینکه این تحول تا چه حدی بازتابی از سیاست‌های جدید واشنگتن در خاورمیانه را به نمایش می‌گذارد، اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما هشیار زیباری، وزیر خارجه پیشین عراق، در مصاحبه‌ای درباره دلایل سفر عادل الجبیر به عراق گفته است از دوستان آمریکایی خود به خاطر تشویق ریاض به اعزام وزیر خارجه‌اش به بغداد تشکر می‌کنیم. اگر اظهارات هشیار زیباری را دقیق و ناشی از اطلاعات وی از پشت پرده‌های سفر عادل الجبیر به بغداد بدانیم، می‌توان گفت در تردبان اولویت‌های خاورمیانه‌ای دولت ترامپ تغییراتی ایجاد شده و ریاض پیام این تغییرات را دریافت کرده است. سوم، صرف نظر از علایم و نشانه‌های موجود درباره ظهور پاره‌ای تغییرات در سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی، ما به دلایل و نشانه‌های بیشتری نیاز داریم؛ زیرا همین عادل الجبیر، وزیر خارجه عربستان سعودی چندی پیش گفت ریاض آماده اعزام نیروی زمینی به سوریه نه‌تنها برای مبارزه با داعش، بلکه برای مهار توسعه‌طلبی‌های ایران در منطقه است. درست است که ناظران سیاسی منطقه اظهاراتی از این دست را جدی نمی‌گیرند، اما رهبران ریاض هنوز خود را در حال‌وهوای وقوع پیشرفت در سیاست‌های منطقه‌ای خود می‌بینند. هنوز بحث و مذاکره با آنکارا بر سر ایجاد مناطق امن در شمال و جنوب سوریه جریان دارد، هنوز رهبران سعودی ایران را عامل ناامنی منطقه به حساب می‌آورند، آنها چشم خود را روی این واقعیت بسته‌اند که اگر دخالت‌های فوری ایران در سوریه و عراق نبود، نیروهای داعش حالا در اطراف ریاض جوان می‌دادند. اما از آن سو نمی‌توان سفر عادل الجبیر به بغداد را به‌ویژه در شرایط کنونی، رخدادی طبیعی و در چارچوب روابط دوجانبه با عراق تفسیر کرد.

رئیس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه